

# حسابداری ملی

## چگونه می‌توانیم میزان فعالیت‌های اقتصادی را در سطح یک جامعه اندازه‌گیری کنیم؟

در هر جامعه‌ای سالانه مقادیر زیادی کالا و خدمت تولید و مصرف می‌شود. میزان تولید کالا و خدمات در هر جامعه، به نوعی نشان‌دهنده قدرت اقتصادی و مادی آن جامعه و نیز سطح زندگی مردم آن است؛ زیرا تولید بیشتر به معنی درآمد و مصرف بیشتر و در نتیجه، رفاه بیشتر است. دولت‌ها سعی می‌کنند با به‌کارگیری سیاست‌های گوناگون، تولید کالاها و خدمات را در جامعه افزایش دهند. پس افزایش مقدار تولید کالا و خدمات در جامعه، از علایم موفقیت دولت در عرصه اقتصاد است.

حسابداری ملی شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی است که به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازد؛ مثلاً، میزان تولید کالا و خدمات را در جامعه محاسبه می‌کند. این بررسی و اندازه‌گیری، تصویری روشن از اقتصاد ارائه می‌دهد. موارد مورد بررسی در حسابداری ملی عبارت‌اند از: سطح زندگی و درآمد مردم، میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و نیز تغییرات ایجاد شده در هر کدام از آنها به واسطه اجرای بعضی سیاست‌های اقتصادی دولت. بدین ترتیب، به کمک حسابداری ملی می‌توان تأثیر

به کارگیری سیاست‌های اقتصادی مختلف را بر سطح زندگی مردم و رشد اقتصادی جامعه  
سنجید. به همین دلیل، می‌توان گفت حسابداری ملی اهمیت بسیاری دارد.

## تولید ملی و اندازه‌گیری آن

یکی از مهم‌ترین متغیرهایی که حسابداری ملی به مطالعه آن می‌پردازد، میزان کل تولید  
کالا و خدمات در جامعه یا «تولید کل» است. اینکه جامعه‌ای در طول یک سال چه مقدار  
کالا و خدمت تولید می‌کند اهمیت زیادی دارد؛ زیرا نشان‌دهنده قدرت و توان اقتصادی  
آن جامعه، سطح رفاه و درآمد اعضای آن، میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و در نهایت،  
امکان پیشرفت آن جامعه در آینده است.

از دیدگاه حسابداری ملی فعالیت تولیدی عبارت است از فعالیتی که به تهیه کالا و  
خدمات موردنیاز مردم بپردازد یا ارزش کالاها و خدماتی را که از قبل تهیه شده است،  
افزایش دهد.

برای مثال، تولید محصولات کشاورزی اعم از غلات، صیفی‌جات، سبزیجات و ...  
فعالیت تولیدی محسوب می‌شوند. همچنین، از نظر حسابداری ملی حمل این کالاها به  
بازار و سپس عرضه این محصولات به خرده‌فروشی‌ها (مغازه‌ها)، تولید محسوب می‌شود؛  
زیرا مردم به این خدمت نیاز دارند و اگر انجام نشود، هر مصرف‌کننده باید کالای موردنظر  
خود را با زحمت زیاد از مراکز عمده‌فروشی تهیه کند. علاوه بر این، فعالیت مؤسسه‌ای که  
به عرضه میوه و سبزیجات بسته‌بندی شده می‌پردازد نیز فعالیت تولیدی محسوب می‌شود.  
درست است که آنها کالایی تولید نمی‌کنند اما با فعالیت خود (پاک کردن سبزیجات به طریق  
بهداشتی، بسته‌بندی و ...) بر ارزش کالاهایی که دیگران تولید کرده‌اند، می‌افزایند.

بدین ترتیب - برخلاف مفهوم مصطلح تولید - در این تعریف فعالیت‌های خدماتی نیز  
با عنوان «تولید» شناخته می‌شوند؛ زیرا این فعالیت‌ها بخشی از نیاز مردم را تأمین می‌کند و  
مردم حاضرند برای دریافت این خدمات پول بپردازند. پس همان‌گونه که تولید محصولات  
کشاورزی در مزرعه یک فعالیت تولیدی است، حمل آن به مراکز مصرف و عرضه آن در

سطح جامعه هم کار تولیدی به حساب می‌آید.

با این حال، در حسابداری ملی فقط آن دسته از فعالیت‌های تولیدی (اعم از تولید کالا یا خدمات) در محاسبه و سنجش منظور می‌شوند که دارای چهار شرط زیر باشند:

۱- از بازار عبور کنند: یعنی تولیدکننده آنها را در مقابل دریافت پول به مصرف‌کننده تحویل دهد. پس اگر فردی برای تعمیر لوازم خانگی خود به تعمیرکار پول بپردازد، یک فعالیت تولیدی صورت گرفته است و ارزش آن محاسبه می‌شود اما اگر خودش آنها را تعمیر کند، محاسبه‌ای انجام نمی‌گیرد.

۲- فعالیت‌هایی که به تولید کالا یا خدمات «نهایی» منتهی شوند: به عبارت



«تولید اشکال مختلف دارد اما در حسابداری ملی همه این اشکال با یک ترازو و یک معیار سنجیده می‌شوند: پول»

دیگر، کالاهایی را که تولیدکنندگان تولید و به بازار عرضه می‌کنند یا مصرف‌کنندگان می‌خرند و به مصرف می‌رسانند یا سایر تولیدکنندگان آنها را خریداری می‌کنند و برای تولید کالاهای دیگر مورد استفاده قرار می‌دهند. کالاهای گروه اول را «کالاهای نهایی» و کالاهای گروه دوم را «کالاهای واسطه‌ای» می‌نامند. از آنجا که ارزش کالاهای واسطه‌ای در بطن کالاهای نهایی است، پس در محاسبه تولید کل جامعه باید از محاسبه ارزش کالاهای واسطه‌ای صرف نظر کرده و فقط کالاهای نهایی را محاسبه کنیم؛ در غیر این صورت، ارزش کالاهای واسطه‌ای در واقع دوبار محاسبه شده است؛ یک بار به صورت بخشی از ارزش کالاهای نهایی و یک بار هم به صورت مستقل.

۳- تولید در محدوده مکانی معینی صورت گیرد: به این معنا که اگر مثلاً هدف، محاسبه

«تولید داخلی» باشد باید کلیه خدمات و کالاهای تولید شده در داخل کشور در طول یک سال - چه تولید مردم خود آن کشور و چه تولید خارجی‌های مقیم آن کشور - محاسبه شود. بر این اساس، تولید آن گروه از مردم کشور که در خارج اقامت دارند، محاسبه نمی‌شود اما

اگر منظور محاسبه «تولید ملی» باشد، باید ارزش همه خدمات و کالاهایی را که مردم یک کشور در طول یک سال - چه در داخل کشور و چه خارج از کشور - تولید کرده اند، محاسبه شود. بدیهی است در اینجا تولید خارجی های مقیم کشور محاسبه نمی شود. به عبارت دیگر، تولید ملی دربرگیرنده همه فعالیت های تولیدی ای است که توسط یک ملت در یک سال انجام می گیرد؛ خواه در کشور خودشان ساکن باشند یا در خارج از کشور. در حالی که تولید داخلی دربرگیرنده همه فعالیت های تولیدی است که در داخل یک کشور - یعنی در محدوده مرزهای جغرافیایی آن کشور - انجام می گیرد؛ خواه توسط مردم همان کشور باشد و خواه توسط خارجیانی که در آن کشور مقیم اند.

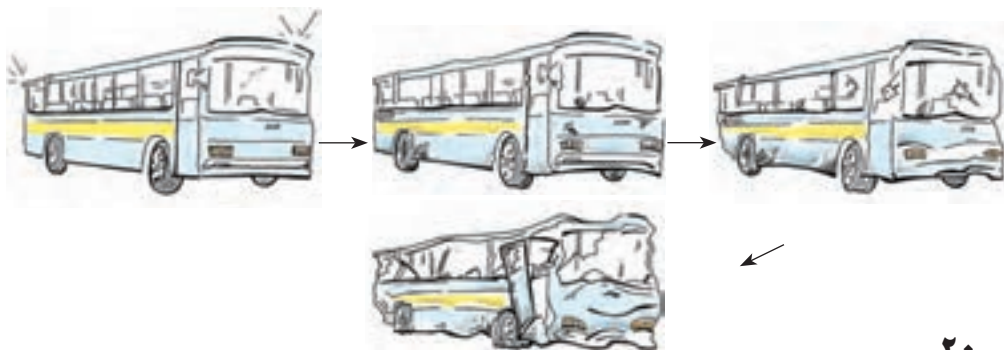
۴- قانونی و مجاز باشد: فعالیت های غیرقانونی و زیرزمینی نظیر قاچاق و مانند آن جزء تولید کشور محاسبه نمی شود؛ زیرا، از یک سو از این فعالیت ها اطلاع دقیقی در دست نیست و از سوی دیگر، محاسبه آنها نوعی مشروعیت دادن به آنها تلقی می شود.

### فعالیت ۶-۱

در منطقه شما چه نوع فعالیت هایی انجام می گیرد که درحسابداری ملی محاسبه نمی شود؟ علل این امر را به بحث بگذارید.

### مفهوم استهلاک

بخشی از سرمایه های یک کشور از قبیل ماشین آلات، ساختمان ها، راه ها و نظایر آن که در فعالیت های تولیدی به کار گرفته می شوند، به مرور زمان فرسوده می گردند و از بین می روند. بنابراین، باید منابع و امکاناتی را صرف جبران این فرسایش، یعنی تعمیر یا



جای‌گزینی آنها کنیم؛ به بیان دیگر، از کل تولید جامعه در طول یک سال باید قسمتی را به هزینه‌های جای‌گزینی سرمایه‌های فرسوده شده اختصاص دهیم. بدین ترتیب، اگر کل تولید جامعه را بدون توجه به مقدار هزینه‌های جای‌گزینی محاسبه کنیم، آن را «تولید ناخالص» می‌نامیم اما اگر هزینه‌های استهلاک را کنار بگذاریم و بقیه تولیدات را محاسبه کنیم، آن را «تولید خالص» می‌نامیم. پس فرق تولید خالص و ناخالص این است که برای محاسبه تولید خالص، هزینه‌های استهلاک (قسمتی از تولید جامعه که صرف جای‌گزینی سرمایه‌های فرسوده می‌شود) در نظر گرفته نمی‌شود اما در تولید ناخالص، این هزینه نیز محاسبه می‌شود. به عبارت دیگر:

**تولید خالص ملی = هزینه استهلاک - تولید ناخالص ملی**

### تولید ناخالص ملی

تولید ناخالص ملی که به اختصار «G.N.P.»<sup>۱</sup> نامیده می‌شود، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی جامعه است که میزان آن قدرت اقتصادی و درجه پیشرفت هر ملت و سطح زندگی اعضای آن را نشان می‌دهد. این شاخص مهم را بدین صورت تعریف می‌کنیم: «تولید ناخالص ملی عبارت است از ارزش پولی کلیه کالاها و خدمات نهایی که اعضای یک ملت در طول یک سال تولید کرده‌اند.»

بدیهی است اگر از این رقم، مقدار استهلاک را کنار بگذاریم، به تولید خالص ملی می‌رسیم.

### تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی شاخص مهم دیگری است که وضعیت اقتصادی جامعه را نشان می‌دهد. این شاخص را که به اختصار «G.D.P.»<sup>۲</sup> نامیده می‌شود، به این صورت تعریف می‌کنیم:

۱\_ Gross National Product

۲\_ Gross Domestic Product

«تولید ناخالص داخلی عبارت است از ارزش پولی کلیه کالاها و خدمات نهایی که در طول یک سال در محدوده مرزهای جغرافیایی یک کشور تولید می‌شود.» همان‌طور که ملاحظه می‌شود، دو شاخص تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی، در تعریف با هم تفاوت دارند اما در عمل، معمولاً مقدار این دو شاخص به هم نزدیک است. برای انجام تحلیل‌های مختلف اقتصادی از وضعیت کشورها، از یکی از این دو شاخص استفاده می‌شود.

### فعالیت ۷-۱

در کشوری کالاهای زیر در مدت یک سال تولید شده است. با توجه به رقم این تولیدات، تولید ناخالص داخلی این کشور را محاسبه کنید.

مواد غذایی	۴۰ تن از قرار هر تن ۲۰۰،۰۰۰ ریال
ماشین‌آلات	۳۵۰ دستگاه از قرار هر دستگاه ۲،۰۰۰،۰۰۰ ریال
پوشاک	۵۰۰۰ عدد از قرار هر عدد ۲۰،۰۰۰ ریال
خدمات ارائه شده	۴۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال

### درآمد ملی

شاخص دیگری که در بررسی و تحلیل شرایط اقتصادی کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد و اهمیت خاصی دارد، «درآمد ملی» است. این شاخص نیز مانند تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی نشان‌دهنده میزان توانایی و قدرت اقتصادی هر جامعه و سطح زندگی و رفاه اعضای آن است.

درآمد ملی دربرگیرنده ارقام مختلف درآمد است که در طول سال نصیب اعضای جامعه می‌شود. این درآمدها عبارت‌اند از: درآمد حقوق‌بگیران، دستمزدها، درآمد صاحبان سرمایه (سودی که به سرمایه تعلق می‌گیرد)، درآمد صاحبان املاک و مستغلات (اجاره)، درآمد صاحبان مشاغل آزاد و سودی که نصیب شرکت‌ها و مؤسسه‌ها می‌شود.

هر یک از شاخص‌های مطرح شده در بالا را می‌توان با تقسیم کردن بر جمعیت به صورت سرانه مطرح کرد؛ برای مثال، با تقسیم درآمد ملی به جمعیت کشور، درآمد سرانه به دست می‌آید. با توجه به تفاوت چشمگیر جمعیت کشورهای مختلف، محاسبه شاخص‌ها به صورت سرانه - که عبارت از سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید یا درآمد آن جامعه است - می‌تواند معیار بهتری برای مقایسه سطح زندگی و رفاه افراد جوامع مختلف باشد.

## محاسبه تولید کل جامعه

تولید کل جامعه را با روش‌های گوناگون می‌توان محاسبه کرد. برای بررسی و مقایسه این روش‌های مختلف، ابتدا تصویری ساده از اقتصاد جامعه ارائه می‌کنیم.

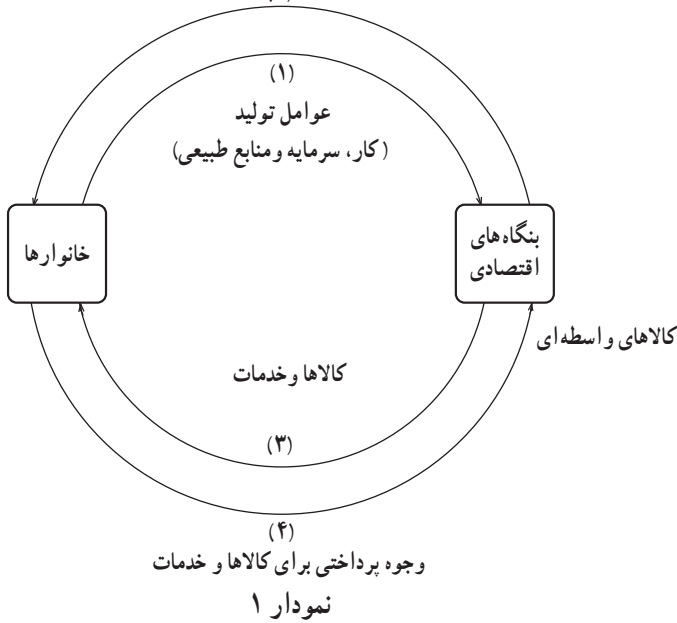
این تصویر شامل دو عضو است: نخست، خانوارها که مصرف‌کننده کالاهای مختلف و درعین حال، مالک عوامل تولیدند<sup>۱</sup> و دوم، بنگاه‌های اقتصادی که وظیفه تولید و عرضه کالاهای و خدمات را به عهده دارند. به بیان دیگر، بنگاه‌های اقتصادی تحت عنوان اشخاص حقوقی، عوامل تولید را از خانوارها - که اشخاص حقیقی هستند - خریداری می‌کنند و در مقابل، مبلغی تحت عنوان مزد، سود و اجاره به صاحبان این عوامل تولید می‌پردازند. البته باید توجه داشت که قسمتی از محصولات بنگاه‌های اقتصادی را بنگاه‌های دیگر خریداری می‌کنند و به صورت کالاهای واسطه‌ای به مصرف می‌رسانند. در نمودار ۱، همین تصویر ساده از اقتصاد نشان داده شده است.

در نمودار ۱، چهار مسیر نشان داده شده است؛ مسیر اول، جریان عوامل تولید را از سوی خانوارها به بنگاه‌های اقتصادی نشان می‌دهد. همان‌طور که قبلاً گفته شد، خانوارها مالک عوامل تولید هستند و بنگاه‌های اقتصادی این عوامل را از آنها خریداری می‌کنند و طی فعالیت‌های خود مورد استفاده قرار می‌دهند.

مسیر دوم، جریان پولی است که از سوی بنگاه‌های اقتصادی به سوی خانوارها روان است.

۱- درباره اصطلاح «عوامل تولید» در بخش دوم کتاب، تحت عنوان «تولید» بحث خواهیم کرد.

وجوه پرداختی به عوامل تولید (مزد، سود و اجاره)  
(۲)



بنگاه‌های اقتصادی، سهم عوامل تولید را متناسب با قیمت آنها به صورت مزد، سود و اجاره به خانوارها می‌پردازند. این مسیر، درآمد خانوارها را نشان می‌دهد. مسیر سوم، جریان کالاها و خدمات از سوی بنگاه‌های اقتصادی به خانوارهاست. بنگاه‌های اقتصادی کالا و خدمات موردنیاز خانوارها را تهیه و به آنها عرضه می‌کنند. مسیر چهارم، جریان پولی است که از طرف خانوارها به سوی بنگاه‌های اقتصادی روان است. خانوارها کالاها و خدمات مصرفی خود را از بنگاه‌های اقتصادی تهیه می‌کنند و در مقابل آن، پولی را متناسب با قیمت کالاها و خدمات به بنگاه‌ها می‌پردازند. با این حال، همین تصویر ساده می‌تواند به ما در درک مسائل اقتصادی کمک کند؛ برای مثال، با دیدن نمودار متوجه می‌شویم که با سه روش زیر می‌توان ارزش کل تولیدات جامعه را محاسبه کرد:

۱- در روش اول، کل پولی که از طرف خانوارها به سمت بنگاه‌ها جریان پیدا می‌کند، محاسبه می‌شود (مسیر شماره ۴).



این مقدار پول، نشان‌دهنده ارزش کل کالاها و خدماتی است که خانوارها خریداری و مصرف کرده‌اند؛ زیرا در مقابل خرید این کالاها و خدمات از بنگاه‌ها، مبالغی به آنها پرداخت شده است. بنابراین، اگر هزینه‌های مصرفی تمام خانوارها را با هم جمع کنیم، تولید کل جامعه به دست می‌آید (البته در قالب همان نمودار ساده‌ای که مطرح کرده‌ایم). این روش محاسبه تولید کل، «روش هزینه‌ای» نام دارد.

۲- در روش دوم، کل پولی که از طرف بنگاه‌ها به سمت خانوارها جریان می‌یابد (مسیر شماره ۲)، محاسبه می‌شود. این مقدار، نشان‌دهنده ارزش پولی کلیه عوامل تولیدی است که در جریان تولید به کار گرفته می‌شوند. به بیان دقیق‌تر، هم‌زمان با فعالیت‌های تولیدی در سطح جامعه، مقداری درآمد ایجاد می‌شود که معادل ارزش پولی کالاها و خدمات تولید شده است.

این درآمد، بین صاحبان عوامل تولید - که در جریان تولید نقش دارند - تقسیم می‌شود. پس حاصل جمع درآمد تمامی خانوارها در سطح جامعه (مزد، اجاره و سود) نشان‌دهنده کل درآمدی است که بر اثر فعالیت تولیدی جامعه ایجاد شده است. همچنین، این درآمد حاصل جمع معادل ارزش پولی کالاها و خدمات تولید شده در جامعه است. این روش در محاسبه تولید کل «روش درآمدی» نام دارد.

۳- علاوه بر دو روش یاد شده، روش سومی نیز برای محاسبه تولید کل جامعه وجود دارد که «روش تولید» یا «روش ارزش افزوده» نامیده می‌شود. برای توضیح این روش، بهتر است ابتدا مفهوم ارزش افزوده را توضیح دهیم.

معمولاً خدمات و کالاهایی که در نهایت، خانوارها از آن استفاده می‌کنند، مراحل مختلفی را طی می‌کند؛ مثلاً، برای تولید پوشاک این مراحل طی می‌شود: تولید پنبه، تولید نخ از پنبه، تولید پارچه از نخ و در نهایت، تولید پوشاک از پارچه. می‌توان گفت که در هر مرحله، بر ارزش محصول اولیه افزوده شده و محصول تحویل مرحله بعدی می‌شود و این کار، تا مرحله نهایی ادامه می‌یابد.

با توجه به مثال بالا، ارزش تولید شده در هر یک از مراحل مزبور را اینگونه بیان

می‌کنیم: کشاورزان هر کیلوگرم پنبه تولیدی خود را به ارزش ۵۰۰ ریال به کارگاه‌های ریسندگی می‌فروشند. کارگاه‌های ریسندگی، این مقدار پنبه را به مقداری نخ تبدیل می‌کنند و آن را به ارزش ۱۵۰۰ ریال به کارگاه‌های پارچه‌بافی می‌فروشند. کارگاه‌های پارچه‌بافی نیز نخ را به پارچه تبدیل می‌کنند و آن را به مبلغ ۳۰۰۰ ریال به کارگاه‌های تولید پوشاک می‌فروشند. در این کارگاه‌ها پارچه به پوشاک تبدیل می‌شود و سرانجام به مبلغ ۵۰۰۰ ریال به دست مصرف‌کنندگان می‌رسد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، هر تولیدکننده مقداری بر ارزش محصول اولیه می‌افزاید و آن را به مرحله بعد منتقل می‌کند. در مراحل یاد شده، به ترتیب ۵۰۰، ۱۰۰۰، ۱۵۰۰ و ۲۰۰۰ ریال بر ارزش محصول افزوده شده است؛ برای مثال، ارزش افزوده کارگاه تولید پوشاک ۲۰۰۰ ریال است؛ زیرا معادل ۳۰۰۰ ریال پارچه را به ۵۰۰۰ ریال پوشاک تبدیل کرده است.

حال برای محاسبه ارزش کل تولید کالاها و خدمات نهایی، می‌توان ارزش افزوده‌ها را با هم جمع کرد. در مثال ذکر شده، این حاصل جمع برابر با ۵۰۰۰ ریال است. نکته جالب توجه این است که رقم ۵۰۰۰ ریال برابر با ارزش پوشاک تولید شده است؛ یعنی، چه ارزش پولی کالاها و خدمات نهایی (پوشاک) را محاسبه کنیم و چه مقدار ارزش افزوده در هر مرحله از تولید را محاسبه و با هم جمع کنیم، به جوابی واحد می‌رسیم. به این ترتیب، ارزش تولید کل جامعه عبارت از مجموع ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصاد است. در واقع، اگر تولید کل جامعه را از طریق هر یک از سه روش یاد شده محاسبه کنیم، به جواب‌های یکسانی می‌رسیم. از این رو، برای جلوگیری از اشتباه، حداقل دو روش را برای محاسبه به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.

آخرین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که چون در عمل، عوامل و روابط اقتصادی بسیار پیچیده‌اند، پس محاسبه شاخص‌های تولید کل در یک جامعه نیز پیچیدگی خاصی دارد که در اینجا امکان بررسی تفصیلی و دقیق آن وجود ندارد.

## مفهوم محاسبه به قیمت جاری و قیمت ثابت

با توجه به مطالبی که گفته شد، شاخص‌های نشان‌دهنده تولید کل جامعه - اعم از تولید ناخالص ملی، تولید ناخالص داخلی و ... - برحسب واحد پول ملی سنجیده می‌شوند؛ زیرا نمی‌توان مثلاً دو تن سیب، بیست تن گندم و ۱۰۰۰ جلد کتاب را با هم جمع کرد اما می‌توان ارزش آنها را برحسب پول محاسبه و حاصل جمع آنها را معلوم کرد. بدین ترتیب، می‌توان میزان تولید جامعه را در سال‌های مختلفی با هم مقایسه کرد، مثلاً، ممکن است میزان تولید کل در طی سه سال متوالی به ترتیب ۱۰۰۰، ۱۱۰۰ و ۱۲۵۰ هزار میلیارد ریال باشد. با توجه به ارقام یاد شده آیا تولید کل این کشور در طول سه سال گذشته افزایش یافته است؟ پاسخ این است که هر چند این ارقام ظاهراً افزایش را نشان می‌دهند اما نمی‌توان آن را حتماً به حساب افزایش تولید کل کشور گذاشت. ارقام محاسبه شده برای هر سال، در اصل حاصل ضرب مقدار کالاهای تولید شده در قیمت هر واحد از آن کالاهاست.

پس افزایش از ۱۰۰۰ ریال به ۱۱۰۰ ریال ممکن است به دلیل افزایش مقدار تولید یا افزایش قیمت هر واحد کالا یا هر دو آنها باشد. به عبارت دیگر، اگر جامعه دچار تورم باشد، مقدار تولید کل محاسبه شده هر سال رقم بزرگ‌تری را نشان می‌دهد؛ در حالی که این رقم بزرگ، به معنی افزایش تولید نیست.

برای رفع این مشکل، می‌توان سال معینی را به عنوان «سال پایه» انتخاب کرد و ارزش تولیدات هر سال را برحسب قیمت کالاها و خدمات در سال پایه (نه سال جاری) محاسبه نمود. بدین ترتیب، اثر تغییرات قیمت در محاسبه تولید کل از بین می‌رود و تغییرات موجود فقط نشان‌دهنده تغییر میزان تولید کالاها و خدمات خواهد بود.

در مثال مطرح شده در بالا، اگر سال اول را سال پایه در نظر بگیریم، ممکن است مقدار تولید جامعه در سه سال موردنظر برحسب قیمت‌های سال اول، به ترتیب ۱۰۰۰، ۱۰۷۰ و ۱۱۴۰ ریال باشد. در این صورت می‌توان نتیجه گرفت که از ۱۰۰ ریال افزایش تولید کل در سال دوم (نسبت به سال اول) براساس محاسبه سابق، ۷۰ ریال آن ناشی از افزایش مقدار تولید و ۳۰ ریال آن ناشی از افزایش قیمت‌هاست.

بر این اساس، تولید کل در سال دوم به قیمت جاری برابر با ۱۱۰۰ ریال و به قیمت ثابت (با در نظر گرفتن سال اول به عنوان سال پایه)، برابر با ۱۰۷۰ ریال است؛ بنابراین، برای ارزیابی وضعیت اقتصادی کشور با محاسبه تولید کل به قیمت ثابت، آمار و اطلاعات مطمئن تری به دست می آید.

### پرسش

- ۱- دلیل اهمیت مطالعه حسابداری ملی را بیان کنید.
- ۲- فعالیت تولیدی چیست؟
- ۳- چرا در اندازه گیری تولید کل جامعه، ارزش کالاهای واسطه ای محاسبه نمی شود؟
- ۴- برای محاسبه فعالیت های تولیدی در حسابداری ملی چه شرایطی لازم است؟
- ۵- چرا هر ساله باید درصدی از تولیدات جامعه را بابت استهلاک کالاهای سرمایه ای کنار گذاشت؟
- ۶- کدام یک از دو شاخص درآمد ملی و درآمد سرانه در مقایسه بین جوامع نقش و اهمیت بیشتری دارد؟ به چه دلیل؟
- ۷- برای محاسبه ارزش کل تولیدات جامعه چه روش هایی وجود دارد؟ نام ببرید.
- ۸- آیا برای محاسبه ارزش کل تولیدات جامعه استفاده از یک روش کافی است؟ چرا؟
- ۹- روش ارزش افزوده را در محاسبه ارزش کل تولیدات جامعه شرح دهید.
- ۱۰- برای جلوگیری از اشتباه ناشی از افزایش قیمت در محاسبه تولید کل جامعه، چه باید کرد؟